

«سایه های نوروز»

روستائیان با گل و سبزه سرودخوانان بشهر می آیند تا ورود نوروز را باهالی شهر بشارت دهند.

«جابر عناصری»

«از انتشارات اداره فرهنگ عامه»

مردم متدین روستاهای شهر اردبیل را بخود مشغول ساخته که حتی برخی از رسوم باستانی را نیز به علی (ع) و اولاد او نسبت میدهند. نه تنها در دهکده های مجاور بلکه در خود شهر اردبیل نیز اغلب مردم معتقدند که:

«در نخستین روز سال نو، امیرالمؤمنین علی در عالم عرش بر تخت سلطنت جلوس کرده و برگردن یزید لعین لگام میزنند. در این روز نو شربت های شیرین و گوارا بجای آب در جوی های بهشت روان میشود و در حرم قدس الهی دوستداران علی (ع) و یاران حسین (ع) و دیگر پیشوایان دینی شادمانی می کنند چونکه مولای مؤمنان بر یزید و هوادارانش که از پست ترین موجودات شناخته شده اند، غلبه می کند. در این هنگام در آن عالم علوی، جبرئیل پیک نوروز است و قاصد حلول سال نو. وقتی که جبرئیل پیام نوروز را به حضرت محمد (ص) میرساند، پیغمبر خدا از درگاه باری تعالی مسئلت مینماید تا این سال نو برندگان راستین او مبارک باشد.»

روستائیان میگویند:

«ما نیز باید به تاسی از آن عالم، شادمان باشیم و جامه نو بپوشیم.»

در این موقع از سال پدران و مادری که بضاعت چندانی ندارند برای امیدوار کردن خود و کودکشانشان میگویند که:

«عید نوروز از آن علی است و او هرگز ما را مأیوس نخواهد کرد.»

عجب این است که این مردم ساده دل با تحمل هر زحمتی و سایل سال نو را تهیه می کنند و آنچه را که فراهم می آورند، موهبتی میدانند که از طرف شاه مردان علی بر آنان نازل شده است. اما درباره پیک های نوروز:

یکی از جشن های دیرینه سرزمین ما که نشانه ای از شکوه و عظمت کشور کهنسال ماست، عید نوروز است. این جشن با وجود گذشت قرون و اعصار هنوز هم اصالت خود را حفظ کرده و در سراسر کشور مخصوصاً در دهکده ها و کوهپایه های وطن ما با شکوه و جلال بیشتری برگزار میشود.

این مقاله تحقیقاتی است که در زمینه اعتقادات روستائیان ساده دل اطراف شهرستان اردبیل در خصوص چهارشنبه سوری و عید نوروز انجام گرفته و در آن از توصیف و تشریح جزئیات آداب و رسوم این جشن ها تقریباً صرف نظر شده است.

این روستائیان پیش از فرارسیدن نوروز، پیک های بشهر میفرستند تا حلول سال نو را با ترانه هایی که میخوانند به مردم تهنیت بگویند و در ضمن آن منشاء این سنت را که رنگ مذهبی به آن داده اند و عقاید خود را درباره اینکه از چه زمان مراسم چهارشنبه سوری و جشن نوروز بر جای مانده است، بیان نمایند.

روستائیان اطراف شهر اردبیل، چهارشنبه سوری را به امیر مختار ثقفی نسبت میدهند و معتقدند:

«هنگامیکه مختار به خونخواهی «حسین بن علی» (ع) قیام کرد، دستور داد بر پشت بامها آتش بیفروزند تا با این آتش یاران حسین (ع) آگاه شوند که قیام مختار شروع شده است و در میدان های شهر گرد هم آیند و نبرد را آغاز کنند.»

عقیده دیگرشان اینست که چهارشنبه سوری را یادگار پیروزی مختار بر دشمنان حضرت حسین (ع) میدانند و میگویند:

«وقتی که غلبه بر خصم پایان یافت، امیر مختار دستور داد که بنشانه این پیروزی در پشت بامها آتش بیفروزند و سرور و شادمانی کنند.»

علاقه به علی بن ابیطالب و محبت به آل علی تا جایی فکر



آنان درحالیکه در سینی بزرگی شمعی چند روشن کرده
ونقل و نباتی ریخته‌اند و سبزه و تمثالی از حضرت علی (ع)
گذاشته‌اند بدر خانه‌ها می‌آیند و ترانه‌هایی می‌خوانند
و هدیه می‌گیرند

شهر خواهید دید که شاید برخی از آنان هیچ روزی از سال را
بشهر نیامده باشند مگر در این زمان که از دامنه‌های سبلان بشهر
اردبیل رو آورده و در کیسه‌هایی بزرگ، گل‌های صحرائی و گل
نوروز و سبزیهایی که مختص دامنه کوهها و کُنل‌هاست با خود
همراه می‌آورند. این روستائیان که «بمیلیک چی»^۲ نامیده
میشوند هر چند نفر باهم هم‌آواز میشوند و بی‌درپی می‌گویند:
«سبزی‌های نارس دامنه‌های سبلان را آورده‌ایم» و در
راه خود در هر خانه‌ای را می‌کوبند و اشعاری در وصف نوروز
می‌خوانند و دسته‌ای از گل نوروز با کمی سبزی برای هفت سین
به خانواده‌ها میدهند. هر خانواده اردبیلی نیز هدیه‌ای به آنان
می‌بخشند و «بمیلیک چی» ها بار دیگر هم‌آواز شده، راهی
کوچه و پس‌کوچه‌های شهر میشوند.

دسته‌ای دیگر از بیک‌ها، تخم‌مرغ رنگ کرده با خود
بشهر می‌آورند و بهر خانه‌ای مراجعه می‌کنند و تخم‌مرغی میدهند
و مقداری قند و چای و خوراکی می‌گیرند. و گاهی هم بجای
اینکه تخم‌مرغ را رنگ بکنند، با نخ‌های ابریشمی قالبی
بر تخم‌مرغ می‌پوشانند. (ذوق و سلیقه روستائیان در بافتن این
قالب‌ها و نگارین کردن آنها با نخ‌های ابریشمی قابل تحسین

۱ - «تکه» عروسکی است بیشتر به شکل شتر، که از تخته می‌سازند
و آنرا با آئینه و تکه پارچه‌هایی از فرش و گلیم و پارچه‌های مختلف زینت
می‌کنند و سعی از مو بر آن می‌چسبانند و بری از پر مرغ و خروس بر سر
آن می‌گذارند. این عروسک‌گردانها را «تکّم چی» گویند.
۲ - بمیلیک = شنگ - یکی از سبزیهای صحرائی.

گفته شد که روستائیان اطراف شهر اردبیل هنگام سال‌نو
بیک‌هایی بشهر می‌فرستند تا با خواندن ترانه‌هایی حلول سال‌نو
را به مردم تبریک بگویند.

اردبیلیها این بیک‌ها را شگون‌آور میدانند و با نقل
و شیرینی از آنان پذیرائی می‌کنند.

بیک‌ها درحالیکه یک سینی بزرگ در دست دارند و در آن
شمعی روشن کرده و نقل و نباتی ریخته‌اند و سبزه‌ای و تمثالی
از حضرت علی (ع) گذاشته‌اند بدر خانه‌ها می‌آیند و ترانه‌هایی
می‌خوانند.

بعضی از بیک‌های نوروز که آنان را «تکّم چی» مینامند،
با عروسکی به نام «تکه»^۱ به شهر می‌آیند و با تکان دادن آن،
سرودها و ترانه‌هایی در توصیف چهارشنبه سوری و عید نوروز
می‌خوانند.

«تکّم چی» ها وقتیکه بشهر می‌آیند، گوئی قاصدی
بزرگ هستند از سرزمین‌های دور دست که فقط پیام آور نوروزند.
در آن روزها از هر کوی و برزنی که بگذرید، «تکّم چی»‌ها را
بالباسهای محلی خواهید دید که کودکان دوروبرشان را گرفته
و چشم‌هایشان را به «تکه» آنها دوخته‌اند و به ترانه‌هایشان
گوش میدهند.

«تکّم چی» ها چنان بنظر میرسند که زودتر از اردبیلی‌ها
از فرارسیدن سال‌نو آگاه شده‌اند و رسالت دارند که فرارسیدن
نوروز را به اهل شهر اطلاع دهند.

در این هنگام غیر از «تکّم چی»‌ها روستائیان را نیز در



راست : «تکم چی‌ها» «تکه» را به حرکت درمی‌آورند و اشعاری در توصیف چهارشنبه سوری وعید نوروز می‌خوانند چپ : گاهی بجای اینکه تخم مرغ را رنگ کنند با نخ‌های ابریشمی وبا نقش‌های جالب قالبی بر تخم مرغ می‌پوشانند

اهالی اردبیل با کمال رغبت به پیک‌های نوروزی کمک می‌کنند، چون معتقدند که همه پیک‌ها شگون‌آورند و برکت نوروزی را با خود به شهر و خانه‌ها می‌آورند. این پیک‌های نوروزی را شما فقط در اواخر اسفندماه و دوسه روزی به عید نوروز مانده خواهید دید. آنان با پول‌هایی که بعنوان هدیه از اردبیلی‌ها گرفته‌اند نقل و نیات و خشکبار نوروزی و لباس‌های نو می‌خرند و چند ساعتی به تحویل سال نو مانده به دهکده‌های خود بازمی‌گردند. در این هنگام گویی رسالت بزرگ خود را به پایان رسانده‌اند چون سرعت راهی زادگاه خود میشوند سبزه‌ها را در جوی‌های آب انداخته و «تکه» را در کیسه خود می‌گذارند چون دیگر تا سال آینده «تکه» وظیفه‌ای ندارد.

اهالی اردبیل همواره در تردید یکی‌های عید چشم به راه «تکم چی»‌ها و دیگر پیک‌های نوروز هستند. چون میدانند

است و هر یک نشانه‌ای از هنرمندی زنان روستائی است). گاهی پیک‌ها دانه‌های اسپند را که از چند رشته نخ گذرانده‌اند و دعاهائی بر آن آویخته‌اند به اهالی شهر ارمغان می‌آورند تا در این سال نو از چشم زخم در امان باشند. روستائیان برای این تحفه اهمیت زیادی قائلند و اگر بخانه‌هایشان در روستاها بروید زینت دیوارهای اطاقشان همین اسپند‌های برنخ کشیده شده است.

دیگر از پیک‌های نوروزی که باید نام برد، ماهی فروشهای دوره‌گردند که دوسه روز پیش از عید با سبد‌هایی از رودخانه‌های مجاور شهر اردبیل ماهی‌های کوچکی صید می‌کنند و در سطل‌هایی می‌ریزند و به اردبیل می‌آورند. آنان در اشعاری که می‌خوانند مرتب ذکر می‌کنند که:

«حلول سال نو نزدیک است - ماهی سفره عید را فراموش نکنید».

«مبارك قوڭلارن گۆه گونوردی»
 سیزون بو تازه بایراموز مبارک
 آیوز. ایلوز. هفتوز. گونوز مبارک
 امیرالمؤمنین تخته چخاجاخ
 یزیدون بویننا نوختا وراجاخ
 «شیرین شربت سویرینه آخاجاخ»
 سیزون بو تازه بایراموز مبارک
 آیوز. ایلوز. هفتوز. گونوز مبارک
 امیرالمؤمنین مولای قنبر
 مینوبور دولدوله یاندا قنبر
 سیزون بو تازه بایراموز مبارک
 آیوز. ایلوز. هفتوز. گونوز مبارک
 ایلدن ایله بو بایرامی دیلر
 یومورتانی ییدی رنگه بوبالار
 دولتیلر تازه پالتار گیلر
 کاسیلار کهنه پالتاری یوب گیلر
 «امیرمختار رحمت دیلر»
 داملاردا اوت یاندروپ
 توپ فیشک لار آتالار
 «امیرمختار رحمت دیلر»

ترجمه بفارسی ادبی

بهار آمد . بهار آمد . خوش آمد .
 علی با ذوالفقار آمد . خوش آمد .
 عید نوروز شما مبارک - ماه و سال و هفته و روز شما مبارک
 جناب جبرئیل نامه آورد - به محض آوردن به پیغمبر رسانید
 «پیغمبر بازوان مبارک خود را به آسمان بلند کرد»
 عید نوروز شما مبارک - ماه و سال و هفته و روز شما مبارک
 امیرالمؤمنین بر تخت جلوس خواهد کرد - برگردن یزید لگام
 خواهد زد .
 «شربت شیرین بجای آب روان خواهد شد»
 عید نوروز شما مبارک - ماه و سال و هفته و روز شما مبارک
 امیرالمؤمنین مولای قنبر - سوار بر دولدول شده است و قنبر
 در کنارش ایستاده است .
 عید نوروز شما مبارک - ماه و سال و هفته و روز شما مبارک
 هر سال ذکری از این عید می کنند - تخم مرغ را به هفت رنگ ،
 رنگ می کنند .
 اغنیاء لباسهای نو در بر می کنند - فقراء لباسهای کهنه را
 شسته به تن می کنند .
 «به امیرمختار رحمت و درود میفرستند»
 در پشت بامها آتش می افروزند
 با توپ و فشنگ سرور و شادمانی می کنند
 «به امیرمختار رحمت و درود میفرستند»



گاهی بیک‌ها دانه‌های اسیند را که از چند رشته نخ گذرانده‌اند و دعا به آن
 آویخته‌اند برای اهالی شهر ارمغان می‌آورند تا در سال نو از چشم زخم
 درامان باشند

هر زمان که بشهر بیایند باید خود را برای برگزاری مراسم
 نوروز آماده کنند . البته نباید تصور کرد که حرفه آنان تکدی
 و سؤال است بلکه این رسمی است و آنها بجا آورنده این رسمند .
 در زیر برخی از ترانه‌هایی که این بیک‌ها میخوانند به گویش
 آذربایجانی آورده شده و به فارسی ادبی ترجمه شده است .
 باشد که از مطالعه اصل این ترانه‌ها که سالهای سال است سینه
 به سینه از دهاتی‌ها بهم رسیده است به اعتقادات مردم ساده دل
 و متدین روستاهای شهر اردبیل در مورد چهارشنبه سوری و عید
 نوروز بیشتر پی برده شود .

بهار آمد . بهار آمد . خوش آمد
 علی با ذوالفقار آمد . خوش آمد .
 سیزون بو تازه بایراموز مبارک
 آیوز. ایلوز. هفتوز. گونوز مبارک
 جناب جبرئیل نامه گتیردی
 گتیرجگین پیغمبره ییتردی